

مذاکره کردن خوب است یا بد؟

حمید مشتاقیان

کارشناس روابط بین‌الملل

سال‌هاست در ایران بحث مذاکره کردن، جاری است. عده‌ای مخالف و گروهی موافق هستند. درست است که بیشترین توجه‌ها برای «مذاکره کردن» به مذاکرات ایران و آمریکا باز می‌گردد اما موضوع آنقدر فلسفی شده که اکنون به نظر می‌رسد خود «مذاکره کردن» (فارغ از کشور مورد مذاکره) زیر سوال است. وجود چنین بحث‌هایی در بین عامه عجیب نیست زیرا عموم مردم، سمت‌وسوی فکری‌شان توسط رسانه‌ها به‌خصوص در زمان حال با فضای مجازی شکل می‌گیرد. خطر وقتی جدی است که این بحث در بین دیپلمات‌های وطنی وجود داشته باشد و آنها باشند که ندانند مذاکره کردن چه لزومی داشته و دارد. در اینجا جا دارد که به فلسفه مذاکره به‌عنوان یک فن دیپلماسی بپردازیم. همه می‌دانیم که مذاکره کردن هدف نیست بلکه یک ابزار است در دست اهل فن. مذاکره یک ابزار است. مثل ابزاری که یک مکانیک برای تعمیر یک خودرو به کار می‌برد. هیچ خودرویی بدون ابزار تعمیر نمی‌شود و اگر تعمیر نشد ابزار گناهی ندارند بلکه کسی که نتوانسته از این وسیله استفاده کند مقصر است. ایرادی هم به مکانیک نیست که چرا تو مثلاً در مغازه ات ابزار آلات داری. مذاکره در دنیای امروز ابزاری برای بیان نقطه‌نظرات کشورهاست و دولت‌ها با استفاده از این ابزار، پیام‌های خود را به دیگر کشورها می‌رسانند. این موضوع هم به معنای تفاهم نیست، یعنی اگر دولتی به دولت دیگر پیام داد، می‌خواهد صرفاً بگوید حرف من این است و آماده شنیدن سخنان شما هستم. البته ممکن است به نتیجه هم نرسد و دو کشور به خواسته یکدیگر واقعی ننهند، اما به حرف هم گوش می‌دهند. مذاکره کردن کانال ارتباطی با جهان خارج است و مانع از اشتباه و کج‌فهمی دیگران نسبت به خواست ما می‌شود. اگر ما به هر دلیلی نتوانیم خواسته و نیت‌مان را به دیگران ابلاغ کنیم ممکن است به ورطه درگیری و ناپایداری جنگ بفتیم. مثال‌های بسیاری در تاریخ وجود دارد که درک نادرست از حرکات و رفتار طرف مقابل به جنگ منجر شده است. داستانی از تیمور لنگ نقل می‌کنند که وی مریض شد و دکترها به او گفتند باید آلبیمو تازه بخوری. تیمور برای شاه منصور مظفر از حاکمان شیراز پیامی فرستاد و از او درخواست چند ظرف آلبیمو کرد اما حاکم شیراز به جای درک موضوع، پاسخی تند فرستاد که «فکر نکن چون از مغول هستی من بنده تو هستم و اینجا هم عطاری نیست که هر چه می‌خواهی برایت بفرستد!» این پاسخ احمقانه موجب شد که تیمور گورکانی با عبور از مرکز ایران ضمن فتح اصفهان و قتل عام مردم آنجا، به سمت شیراز برود. عمال دولتی شیراز که می‌دانستند نمی‌توانند در برابر لشکر تیمور مقاومت کنند و خبر اصفهان را شنیده بودند تصمیم گرفتند درهای قلعه را باز کنند و شیراز سقوط کرد. حاکم مغول نیز با غفو مردم شیراز، پس از قتل عام خانواده شاه منصور مظفر، آنجا را به سمت بغداد ترک کرد. این درک نادرست از یک پیام، موجب نابودی خانواده مظفر گردید. ممکن است کسی بگوید کسی با مذاکره کردن مخالف نیست بلکه با مذاکره با آمریکا نتیجه‌ای ندارد و صحیح نیست. پاسخ این است که مگر مذاکره کردن هدف است که ما منتظر نتیجه از آن هستیم. مذاکره کردن یک ابزار برای بیان نظرات‌مان به آنهاست و صرف مذاکره به هیچ‌کس هیچ امتیازی نمی‌دهد و مشروعیتی ایجاد نمی‌کند. برخی کشورها حتی در زمان جنگ هم از میز مذاکره فاصله نمی‌گیرند و از آن برای ابراز خشم‌شان استفاده می‌کنند. مذاکره نکردن در روابط شخصی مانند قهر کردن است به این مفهوم که شما طرف را لایق صحبت نمی‌دانید و همین موجب می‌شود که دیگران به میان شما بیفتند و دوبه‌هم‌زنی کنند. مذاکره با آمریکا تابو نیست که خوب یا بد باشد. آن هم یک وسیله برای بیان خواست ملت ایران نسبت به دشمنانش است و البته پیگیری منافع ملی. اینکه هنوز بعد از ۴۷ سال ما بحث آن را می‌کنیم مانند ما در زمان ابتدای انقلاب و نورس بودن نظام جمهوری اسلامی نیست. باید قبول کنیم که بالغ و عاقل هستیم و نیاز به طرف شدن با واقعیت‌های جهان پیرامون و نظام بین‌الملل داریم و نمی‌توانیم از پاسخگویی به بهانه مذاکره نکردن فرار کنیم.

دیپلماسی



DIPLOMACY



پیامی برای متحدان و دشمنان

حمله آمریکا به تاسیسات هسته‌ای ایران چه تاثیری بر نگاه رقبا و متحدان آمریکا به رویکرد دولت دونالد ترامپ بر جا می‌گذارد؟



شهاب شهسواری

خبرنگار گروه دیپلماسی

تجاوز نظامی آمریکا به ایران در تاریخ یک تیر ۱۴۰۴ و هدف قرار دادن تاسیسات هسته‌ای ایران، صرفاً یک اقدام نظامی علیه ایران محسوب نمی‌شد، بلکه اقدامی از سوی واشنگتن برای رساندن پیام آمادگی برای استفاده از زور در روابط خارجی بود؛ دونالد ترامپ که یک دوره چهارساله بین سال ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۱ به عنوان رئیس جمهور آمریکا تلاش زیادی کرد تا با تهدید طرف‌های خارجی، چه رقبا و دشمنان آمریکا و چه متحدان و دوستان آمریکا از آنها امتیازهای قابل توجه در مناسبات دوجانبه بگیرد، بسیاری از برنامه‌های دونالد ترامپ در دوره نخست ریاست جمهوری برای ایجاد تغییر بنیادین ناکام ماند. دور دوم ریاست جمهوری دونالد ترامپ از ژانویه ۲۰۲۵ با برنامه‌هایی جاه‌طلبانه‌تر برای «بازگشت عظمت آمریکا» آغاز شد. دونالد ترامپ با شعارهای پایان دادن به جنگ‌های خاورمیانه و جنگ روسیه و اوکراین، ایجاد توازن در روابط تجاری دوجانبه با همه کشورهای جهان، بازگشت صنایع به آمریکا، پرداخت سهم بیشتر کشورهای هم‌پیمان در تأمین امنیت و مهار چین کار خود را در دوره دوم آغاز کرد. او که کارش را همزمان با آتش‌بس موقت در غزه آغاز کرده بود، به سرعت برنامه‌های بعدی را از جمله میناجی‌گری برای مذاکرات روسیه و اوکراین، آغاز مذاکرات هسته‌ای با ایران، اعلام تعرفه‌های قابل توجه علیه کشورهایی که صادرات بیشتری به آمریکا دارند و اعلام تعرفه‌های کلان علیه چین در پیش گرفت.

اما دونالد ترامپ یک تجربه را با خود از دوره پیشین به همراه آورده بود. در غیاب یک تهدید سخت معتبر، هیچ دولتی در دنیا صرفاً از نام آمریکا

به عنوان ابرقدرت نمی‌هراسد. تهدید به استفاده از قدرت سخت، موضوعی است که اخیراً در اظهارات افشا شده ترامپ در کارزار تبلیغات انتخاباتی ریاست جمهوری ۲۰۲۴ هم مورد اشاره قرار گرفته است. جاش دوسی، تایلر بایگر و اسحاق آرنسورف اخیراً کتابی با عنوان «۲۰۲۴» منتشر کرده‌اند که در آن بخشی از اسناد قبلاً منتشر نشده از کارزار انتخاباتی ترامپ منتشر شده است. در یکی از نوارهایی که متن آن در این کتاب منتشر شده است و به تازگی شبکه خبری سی‌ان‌ان فایل صوتی آن را منتشر کرده است، ترامپ به وضوح از تهدید روسیه و چین به استفاده از نیروی نظامی سخن می‌گوید. به گزارش پایگاه خبری جماران ترامپ در یک رویداد جمع‌آوری کمک مالی در سال ۲۰۲۴، طبق نوار صوتی که سی‌ان‌ان منتشر کرده است، گفت: «به پوتین گفت: اگر وارد اوکراین شوی، مسکو را به شدت بمباران خواهیم کرد. به شما می‌گویم، چاره‌ای ندارم.» او افزود: «پوتین در پاسخ چیزی شبیه به این گفت: حرفت را باور نمی‌کنم. اما ۱۰ درصد حرقم را باور کرد.» ترامپ همچنین اشاره کرد که هشدار مشابه به شی جین‌پینگ، رئیس جمهور چین، درباره حمله احتمالی به تایوان داده و به او گفته که ایالات متحده در پاسخ به آن، پکن را بمباران خواهد کرد. ترامپ درباره شی گفت: «فکر می‌کنم او فکر می‌کند من دیوانه‌ام.» و افزود: «اما ما هیچ مشکلی نداشتیم.» حمله به ایران، نمایش تمام عیار نظریه فرد دیوانه (Madman Theory) بود، سیاستی که به ریچارد نیکسون، رئیس جمهور پیشین آمریکا نسبت داده می‌شود. به گفته یکی از کارکنانش به نام آچ. آر. هالدمن، نیکسون اصطلاح «نظریه مرد دیوانه» را ابداع کرد و توضیح داد که می‌خواهد ویتنامی‌های شمالی باور کنند که او قادر به انجام هر کاری برای پایان دادن به جنگ ویتنام است - تا جایی که حتی از سلاح‌های هسته‌ای استفاده کند. نظریه مرد دیوانه بر این فرض استوار است که رهبری که طوری رفتار می‌کند که انگار می‌تواند تقریباً هر کاری

انجام دهد، شانس بیشتری برای متقاعد کردن سایر بازیگران جهانی دارد تا امتیازاتی را بدهند که در غیر این صورت نمی‌دادند. آلن لیتل، خبرنگار ارشد بی‌بی‌سی با اشاره به حمله آمریکا به ایران می‌نویسد: «ترامپ جهان را به این باور رساند با یک وقفه دوهفته‌ای موافقت کرده تا به ایران اجازه از سرگیری مذاکرات بدهد. اما بعد بلافاصله بدون توجه به حرف خودش، به هر حال، بمباران کرد. یک الگو در حال ظهور است: قابل پیش‌بینی‌ترین چیز درباره ترامپ غیرقابل پیش‌بینی بودن اوست. او نظرش را تغییر می‌دهد. او با خودش تناقض دارد. او ناسازگار است.» دونالد ترامپ با حمله به ایران یکی از بزرگ‌ترین شعارهای انتخاباتی خود را زیر سوال برد. ترامپ بر این پایه وارد کارزار انتخاباتی شده بود که می‌خواهد به مداخله آمریکا در جنگ‌های بی‌پایان، پایان دهد اما اقدام نظامی علیه ایران دقیقاً گام برداشتن در جهت عکس این شعار بود. شاید اگر پاسخ ایران به حمله آمریکا خوشش نمی‌آمد، حالا با دیدنی بیشتر و اعتماد کمتر وارد مذاکره خواهند شد.

در اوکراین در جنگ اوکراین در خطر باشد و تمایل دارند که تنش‌ها را با روسیه کاهش دهند تا ابهام استراتژیک در مورد احتمال رویارویی نظامی مستقیم با روسیه، همچنان پابرجا بماند. علاوه بر اینها، حمله به ایران در چارچوب سیاست سلطه از طریق تشدید تنش آمریکا و اسرائیل اتفاق افتاد که به آمریکا اجازه داد از این فرصت برای یک ابتکار دیپلماتیک استفاده کند و منازعه ایران و اسرائیل را پایان دهد و بعد از ۱۲ روز آتش‌بس برقرار کند. چنین شرایطی بین روسیه و اوکراین وجود ندارد و روسیه کاملاً ابتکار عمل را در میدان حفظ کرده است و توانایی این را دارد که هر زمان خواست آتش جنگ را تشدید کند یا فروکاهد.

با این حال پیوند میان ایران و روسیه در حوزه‌های دیگر قوی است. به سادگی می‌شد دید که چگونه مقام‌های کرملین این ایده را تبلیغ کردند که کاخ سفید از قبل در مورد تصمیم اسرائیل برای حمله به ایران خبر داشت و دوره‌های پیشین گفت‌وگوی هسته‌ای با ایران فقط با هدف فریب تهران برای ایجاد احساس امنیت کاذب انجام شده بود. اگر این احساس روسیه در مورد عملکرد دولت ترامپ به شکلی برطرف نشود، آنگاه می‌تواند خط قرمزی بر همه فعالیت‌هایی باشد که دولت ترامپ برای ایجاد اعتماد با دولت روسیه انجام داده است و خودش را به عنوان مذاکره‌کننده‌ای با حسن نیت نشان داده است. بهترین راه برای از بین این احساس در مسکو این است که آمریکا وارد مذاکراتی جدی با ایران بشود و از آنجایی که

به استمرار تجاوز کمک کند. «روابط مسکو و تهران، هر چند فراتر از یک رابطه صرفاً دوستانه است و در حوزه‌های همکاری‌های اقتصادی و سیاسی رشد قابل توجهی داشته‌است، اما بخشی از چارچوب گسترده‌تر سیاست خارجی روسیه در منطقه خاورمیانه است که شامل حفظ روابط حسنه با اسرائیل و کشورهای عربی هم می‌شود. این ایده که روسیه کوچک‌ترین تمایلی دارد که خود را وارد یک منازعه با اسرائیل به نفع ایران کند، صرفاً بر مبنای دیدگاه‌های ایدئولوژیک شکل گرفته است که فقط در بین قشر خاصی از گعده‌های سیاست خارجی غربی طرفدار دارد و پایه‌ای در واقعیت ندارد. در عین حال این ایده هم بی‌پایه است که حمله آمریکا به تاسیسات هسته‌ای ایران «پیام» خاصی در مورد عزم واراده آمریکا به روسیه داشته است و البته روشن هم نیست که این پیام قرار بود چه باشد.

اگر قرار باشد روسیه به تجاوز به هر یک از کشورهای عضو ناتو فکر کند، حتی پیش از بمباران ایران توسط آمریکا هم تردیدی در کرملین در مورد اعتبار تعهد آمریکا به ماده پنج پیمان آتلانتیک شمالی در مورد دفاع جمعی وجود نداشت. در مورد اوکراین هم، دولت آمریکا حتی در دوره ریاست جمهوری جو بایدن، بارها و بارها ثابت کرد که بیش از هر چیز بر پیروزی مستقل اوکراین سرمایه‌گذاری کرده است و خودش قصد جنگیدن با روسیه ندارد. سیاستگذاران واشنگتن کاملاً تردید دارند که منافع بنیادین آمریکا

▼ ضرورت احیای اعتماد مسکو به ترامپ



مارک ایپسکوپوس، ریسپانس‌سیل

استیست‌کرفت: دونالد ترامپ، رئیس جمهور

آمریکا تا حد زیادی به این دلیل در انتخابات

۲۰۱۴ آمریکا برنده شد که رای‌دهندگان پیام او

مبنی بر وعده برای بیرون نگه داشتن آمریکا از جنگ‌های طولانی و

وعده پایان دادن به جنگ اوکراین را پذیرفته بودند. در آغاز مسیر

دولت جدید گام‌های بزرگی برداشت که از جمله آنها می‌توان به باز

کردن کانال‌های گفت‌وگو با روسیه اشاره کرد اما به تدریج مشخص

شد که رسیدن به یک سازوکار برای توافق مذاکره‌شده‌ای که همه

طرف‌های ذی‌نفع، یعنی اوکراین، روسیه و اروپا را راضی کند، بسیار

مشکل است. سرازیر شدن چشمگیر منابع و توجه آمریکا به

خاورمیانه به نظر می‌رسد که تلاش برای توافق صلح میان روسیه و

اوکراین را با مشکلات بزرگ‌تری مواجه کند. جنگ اسرائیل علیه

ایران باعث فوران گمانه‌زنی‌های متعدد در مورد منافع روسیه در

حمایت از «متحدش» ایران شد. بخش بزرگی از این گمانه‌زنی‌ها

بی‌پایه بود. در واقع اساساً هیچ شاهد ملموسی وجود ندارد که روسیه

به لحاظ نظامی با ایران متحد باشد. فقط کافی است که متن

توافقنامه جامع همکاری راهبردی ایران و روسیه را مطالعه کرد تا

کشف کرد که تنها تعهد جدی امنیتی که دو طرف به یکدیگر داده‌اند

«ارائه نکردن کمک‌های نظامی و غیر از آن به متجاوز است که بتواند